

بررسی نظامهای بهره‌برداري از زمین در ایران

«قسمت دوم»

اشاره

مقاله‌ای که به دنبال خواهد آمد، تلخیص شده از طرح ۱، پروژه ۲ از مجموعه گزارشهای طرحهای مطالعاتی "طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران" می‌باشد که در طی آن به بررسی نظامهای بهره‌برداري از زمین پرداخته شده است.

این طرح مطالعاتی در سال ۱۳۷۲ با مسئولیت مهندس سعید مهاجری انجام گردیده و مقاله حاضر نیز با بهره‌گیری از گزارش نهایی طرح فوق، توسط آقای مهندس محمدهادی امیرانی به رشته تحریر درآمده است. امید است که مورد عنایت و استفاده عموم صاحب نظران و دانش پژوهان قرار گیرد.

سیر تاریخی و تکاملی نظامهای بهره‌برداري در ایران

نظامهای بهره‌برداري از زمین در ایران در عین تنوع همواره در معرض تغییرات و دگرگونیهای عمده قرار داشته است. برای بررسی این دگرگونیها، دوره تاریخی این امر را به دو دوره به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

الف) دوران قبل از اصلاحات ارضی

در دوران قبل از اصلاحات ارضی که بهره‌برداري از زمین در نظامی موسوم به نظام "ارباب - رعیتی" انجام می‌گرفت، مالکیت ارضی زراعی به "ارباب" یا "خان" تعلق داشت و کشاورزان که با عنوان "رعیت" از آنها نام برده می‌شد - با در اختیار گذاردن نیروی کار خود در فرایند تولید زراعی، تحت تسلط و قیمومیت ارباب یا خان قرار داشته و

(زمین، آب، شخم، نیروی کار و بذر)، محصول را پس از دادن سهم ارباب، بین خود تقسیم می‌کردند. عضویت دهقانان در بنه با حق نسق داشتن و سکونت مستمر در آبادی، آگاهی از فنون کشاورزی و موافقت ارباب (یا نماینده ارباب) مربوط می‌شد. مدت عضویت هر دهقان در یک بنه معمولاً یک سال زراعی بود که ممکن بود این عضویت سالهای متمادی نیز ادامه یابد.

بنه‌ها سازمان کار منظمی داشتند (نمودار شماره ۱) و دارای رئیس (سربنه)، و یک یا دو معاون (بانه یا وربنه) بود. سربنگی (آبیاری) به واردترین و کارآمدترین عضو بنه واگذار می‌شد و وی نسبت به دیگران صاحب بعضی امتیازات مالی بود.

در بیشتر روستاها ترکیب اعضای بنه براساس خویشاوندی بود و گاهی این ترکیب به گروههای مختلف قومی می‌رسید و حتی افرادی که منشاء جغرافیایی مشخصی داشتند، در یک بنه به کار اشتغال می‌ورزیدند. یک عضو ساده بنه (برزگر) می‌توانست تا مقام آبیاری (سربنگی) ارتقاء یابد، تعویض اعضا در بنه معمولاً بوسیله آبیاران صورت می‌گرفت که ممکن بود اجباری و یا با تمایل عضو بنه انجام پذیرد.

با توجه به موقعیت اعضا در بنه، سهم محصول آنها متفاوت بود. به آبیار بیشترین سهم و به برزگر کمترین سهم از محصول بنه تعلق می‌گرفت. همان طوری که گفته شد، حیات بنه به پنج عامل بستگی داشت. این پنج عامل به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می‌شد. عوامل طبیعی یا غیرمنقول عبارت بود از زمین و آب که زمینه اصلی بنه را تشکیل می‌داد و عامل انسانی یا منقول عبارت بود از کار که بوسیله ابزار و وسایل مربوط به آن که متعلق به بنه بود انجام می‌گرفت. پنج عامل یاد شده پایه‌های اصلی و زیربنایی بنه به‌شمار می‌روند و عوامل فرعی نظیر روابط حقوقی و عرفی، گروهها و قشرهای بنه و همچنین گروهها و قشرهایی که با بنه در ارتباط بودند

مقدار ناچیزی از محصول تولیدی به آنها تعلق می‌گرفت.

در دوره پیش از اصلاحات ارضی، تولید زراعی در قالب نظامی سنتی با عنوان "بنه" در بخش کشاورزی و روستایی کشور انجام می‌گرفت. بنه عبارت بود از یک واحد کار زراعی و شامل یک یا چند قطعه زمین زراعی (آبی و دیم) می‌شد که در آن تعدادی دهقان با سمتهای مشخص اجتماعی بر اساس تقسیم کار (که مبتنی بر امتیازات اقتصادی و منزلتهای اجتماعی بود) به کشت و زرع می‌پرداختند. وسعت هر بنه در روستاها متفاوت بود و از یک جفت تا چهار جفت گاو تغییر می‌کرد. وسعت زمین بنه‌های یک ده تقریباً و مقدار آب آنها دقیقاً مساوی بود.

در بنه‌ها، دهقانان اغلب بطور دسته‌جمعی به کار اشتغال داشتند و با در نظر گرفتن پنج عامل

جنبه‌های روبنایی را تشکیل می‌دادند.

بنه‌بندی

بنه‌بندی عبارت است از تعویض قطعات مختلف زمین واحدهای کار زراعی. دهقانان با در نظر گرفتن درجه مرغوبیت خاک و وضع آبیاری با قرعه‌کشی به این عمل مبادرت می‌ورزیدند.

بر اساس عرف محل، مدار گردش آب (معمولاً ۱۲ شبانه‌روز یکبار) و زمینهای قابل کشت هر ده مشخص بود. همه ساله در یک مجمع عمومی با حضور زارعین بر اساس «پشک» زمینهای خوب یا بد به تعداد بنه‌ها تقسیم شده و یک شبانه‌روز آب به هریک از آنها تعلق می‌گرفت.

پس از تعیین آب و زمین، نیروی شخم (معمولاً سه جفت) و نیروی کار مورد نیاز (معمولاً ۶ نفر) معین می‌شد، یک شبانه‌روز آب و زمین و نیروی شخم و کار مربوط به آن با مقداری ابزار منقول و غیرمنقول و کلیه تعلقات بدان را یک «بنه» می‌نامیدند. زمین، آب و متعلقات مربوط به بنه در یک سال زراعی به همان شکل باقی بود و در سال بعد احتمال تغییر عوامل منقول و غیرمنقول بنه نیز می‌رفت، بدین مفهوم که مدار گردش آب ثابت می‌ماند، ولی تعیین روز سهمیه آب هر بنه بستگی به دوری و نزدیکی زمینهای بنه از مظهر قنات داشت، حدود و وسعت بنه از سالی به سال دیگر تغییر می‌کرد. نیروی شخم (گاو نر) مورد نیاز همیشه آماده کار بود، اما امکان تغییر نیروی کار از سالی به سال دیگر وجود داشت، ولی به هر صورت تعداد افراد مورد نیاز به ریاست سربنه در آغاز هر سال زراعی انتخاب شده و بطور جمعی زیر نظر سربنه با وسایل و ابزار مربوط به بنه، به کار خود می‌پرداختند.

در بنه‌بندی تعداد قطعات زمین، انتخاب زمین برای نوع کشت، تعداد افراد، تعداد جفت گاو، میزان مساعد و امثال آن مشخص می‌شد. هرگونه تغییراتی در شهریورماه هر سال (سال زراعی) اعمال می‌شد و این تغییرات را از آغاز تصمیم‌گیری تا شروع به کار «بنه‌بندی» می‌نامیدند. هنگامی بنه‌بندی پایان می‌یافت که «آبیاری» یا «سربنه» اعضای بنه خود را انتخاب و ارباب هم آنها را غیرمستقیم به رسمیت می‌شناخت

و نامشان در دفتر ارباب ثبت می‌شد. قسمت اعظم بنه‌بندی با «پشک»^۱ انجام می‌گرفت. تعیین قطعات زمین، انتخاب گاوها، مشخص شدن ابزارکار و بالاخره روز نوبت آبیاری همه به پشک صورت می‌گرفت تا بنه‌بندی کامل شود.

پس از پایان یافتن مراسم مربوط به بنه‌بندی، آبیاری، همکاران و شرکای دیگر خود را با معیارهای مخصوص به خود انتخاب می‌کرد و از آن پس بنه‌بندی کامل شده و معمولاً صورت بنه‌بندی تنظیم و نام سربنه، گاهی نام شرکاء، تعداد جفت گاو، سطح زیر کشت گندم و جو بر اساس بذریاش مشخص و سربنه‌های هر بنه معین می‌شد و سربنه‌ها ذیل سند را مهر کرده و اگر بذری در اختیار آنان قرار می‌گرفت، متعهد به کشت آن نیز می‌شدند.

تعریف نسق

نسق عبارت است از قواعد و نظام عرفی و حقوقی در استفاده از آب و زمین در اراضی مزروعی آبی و دیم. زارعان صاحب نسق این حق را با پیدا کردن حق ریشه یعنی با کار کردن حداقل بیش از یک سال در زمینهای مزروعی پیدا می‌کردند. نسق به ارث به فرزندان دهقان منتقل می‌شد و گاه نیز مورد داد و ستد قرار می‌گرفت. در بنه‌های کوچک حق نسق اغلب به پسر خانواده که به کار زراعی اشتغال داشت می‌رسید و بقیه فرزندان از ارث محروم می‌شدند، تا از چندپارچگی زمین جلوگیری شود. بنه‌بندی در آغاز هر سال به اجرا درمی‌آمد، ولی نسق داشتن و به اجرا درآوردن قوانین «نسق زراعی» در تمام مدت سال به قوت و قدرت خود باقی بوده و عرف محل مجری آن به حساب می‌آمد.

افراد صاحب نسق اعضای رسمی بنه‌ها بودند که خاتمه دادن به خدمت آنها به سادگی میسر نبود، در صورتی که این امر برای افراد روزمزد به آسانی ممکن می‌شد. بطور خلاصه بر طبق قوانین محلی بنه و بنه‌بندی، نسق مجموعه‌ای از قوانین عرفی و محلی حاکم بر قوانین بنه و بنه‌بندی است. قوانین بنه و بنه‌بندی خود شاخه‌ای از مجموعه قوانین مربوط به نسق زراعی است. بر اساس قوانین عرفی و محلی، بنه‌بندی کردن و وارد مرحله عملی کشت و زرع شدن را «نسق نمودن»

می‌گویند. به عبارت دیگر نسق نمودن، بنه‌بندی را از قوه به فعل درآوردن و جرخ واحدهای مستقل زراعی را در آغاز سال زراعی به گردش درآوردن می‌باشد. می‌توان گفت که نسق کردن یعنی ساختن بنه‌ها و متعلقات مربوط به آن با در نظر گرفتن زیربنای نسق‌بندی عرفی و حق نسق افراد ذینفع.

ب) دوران پس از اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی در ایران که با هدف اضمحلال قدرت و نفوذ بزرگ مالکان و جایگزین نمودن استیلای دولتی بر مناطق روستایی انجام گرفت، بسیاری از دهقانان را صاحب زمین نموده و قشر خرده مالک را به وجود آورد. این اقدام در وهله اول باعث بروز خلاء مدیریت بر اراضی کشاورزی و نوع از هم پاشیدگی در نظام تولید زراعی گردید. در آغاز این دوره دهقانانی که صاحب زمین و مقداری آب شده بودند، به صورت گروههای کوچکی گرد هم آمده و تقریباً به همان شکل سابق بنه‌ای را تشکیل داده و به کشت و زرع مشغول شدند، لیکن این وضع دوام چندانی نیاورد و علت آن نیز اختلافات بین اعضای بنه و عدم بضاعت مالی شرکا بود که به مرور زمان باعث جدایی آنها و تجزیه سریع بنه‌ها در مناطق روستایی شد.

به طور کلی پس از اصلاحات ارضی که با تغییر زیربنای اقتصاد زراعی روستا همراه بود، نسق زراعی دگرگون شد و دهقانان صاحب نسق که زمین در اختیارشان قرار گرفت، به نوعی استقلال دست یافتند. این امر باعث آن شد تا هریک تصمیم و فکر خود را بر دیگر شرکاء ترجیح داده و به طور مستقل به کار زراعی بپردازند. بر اثر استمرار این امر، نظم و نسق زراعی تغییر شکل یافت و نهایتاً ساختار گروهی بنه از هم پاشید و از بین رفت.

نظام بهره‌برداری دهقانی

یکی از نظامهای ارضی که پس از اصلاحات ارضی در ایران گسترش فراوانی یافت، نظام بهره‌برداری دهقانی بود. در این نظام، بهره‌برداران عمدتاً مالک زمینهای مورد استفاده خود می‌باشند و تعدادی نیز به صورت «آچاره‌داری» یا «سهم‌بری»، زمینهایی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. در

این نظام، خانوار دهقانی شامل تعداد کثیری از افراد است که به واسطه وابستگیهای خویشاوندی (سببی یا نسبی) به یکدیگر پیوسته‌اند و نسلهای مختلفی را شامل می‌شوند. این خانوارها که «خانوارهای گسترده» نامیده شده‌اند، واحدهای واقعی تولیدی و مصرفی اقتصاد دهقانی به شمار می‌روند. خانواده‌های بهره‌بردار دهقانی به انواع فعالیتهای زراعی، دامداری، باغداری و صنایع دستی اشتغال دارند.

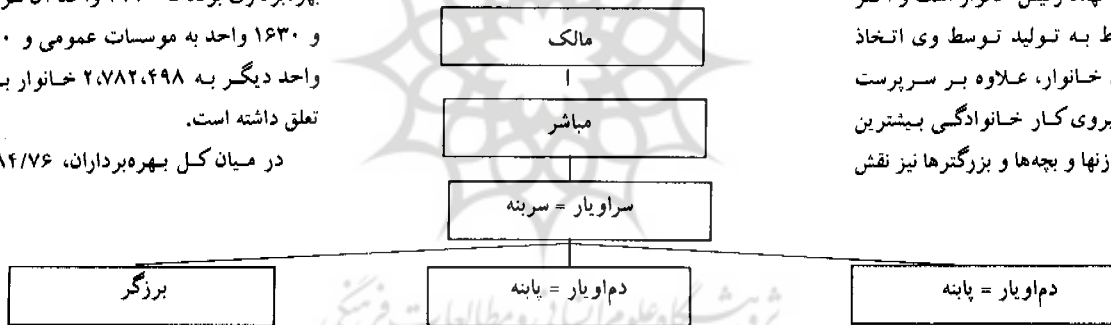
در این نوع از نظام بهره‌برداری، ترکیب اصلی کشت بر اساس اختلاطی از نیازهای معیشتی خانوار و تولید برای بازار تعیین می‌شود. در بسیاری از کشورها، اعضای خانواده برای تکمیل درآمد خانوار دهقانی در بخش خدمات یا سایر بخشها به کار می‌پردازند، که در کشورهای توسعه نیافته این فعالیتهای جزو بقای نظام بهره‌برداری دهقانی محسوب می‌شود.

از لحاظ حقوقی، اکثراً رئیس خانوار مالک زمین است و مالکیت از طریق ارث، اجرای شقوق مختلف قوانین ارضی و یا خرید حاصل شده است. مدیریت تولید به‌عهده رئیس خانوار است و اکثر تصمیمات مربوط به تولید توسط وی اتخاذ می‌شود. در بقای خانوار، علاوه بر سرپرست خانواده، نقش نیروی کار خانوادگی بیشترین اهمیت را دارد و زنها و بچه‌ها و بزرگترها نیز نقش

مهمی در بقای خانوار ایفا می‌کنند. عموماً زنان در امور مالی کنترل و دخالتی ندارند، ولی برخی خرید و فروشهای کم‌اهمیت و معاوضه کالاها یا که در خانه تهیه و تولید می‌شود، توسط آنان صورت می‌گیرد.

سایر افراد خانواده برحسب نوع جنس، هر کدام وظایف خاص و معینی را در امور خانه و مزرعه به عهده دارند. مثلاً چرانیدن گوسفندان و جمع‌آوری و حمل سوخت از جمله کارهای فرزندان پسر خانواده به شمار می‌آید. در حالی که قالیبافی و سایر فعالیتهای مربوط به صنایع دستی توسط دختران صورت می‌پذیرد. حاصل مطالعات انجام شده حاکی از دگرگونیهایی در طبقات پایین بهره‌برداری دهقانی و تبدیل آنها به کارگران ساده و یا حاشیه‌نشین شهری است، بطوریکه برخی از ویژگیهای کارگران در آنها ظاهر شده و بصورت کارگر در مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی کم‌اهمیت جذب شده‌اند.

بر اساس نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱ مرکز آمار ایران، بهره‌برداران کمتر از ۵



نمودار شماره (۱): سازمان کار در بنه‌ها

جدول شماره (۱): تعداد بهره‌برداران در رابطه با میزان زمین و نحوه اداره آن

واحد: صد بهره‌برداری - صد هکتار

طبقات بهره‌برداری	بهره‌برداری با زمین		اداره بهره‌برداری توسط بهره‌بردار		بهره‌برداری‌هایی که کلیه کارها یا قسمت عمده کارها بوسیله خانوار بهره‌بردار انجام می‌شود	
	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	قسمت عمده کار	جمع
کمتر از ۵ هکتار	۱۸۹۳۲	۲۸۵۱۸	۱۸۸۴۵	۲۸۳۹۷	۹۷۸۵	۱۸۴۶۸
۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۴۰۷۹	۲۸۰۶۴	۴۰۶۸	۲۷۹۹۰	۲۷۲۶	۳۹۲۲
۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۳۳۹۴	۵۶۹۳۶	۳۳۶۲	۵۶۰۹۴	۲۳۷۶	۳۱۹۱
۵۰ هکتار و بیشتر	۱۵۳	۱۷۲۷۶	۱۳۸	۱۴۸۵۹	۹۴	۱۱۸
جمع	۲۶۵۵۸	۱۳۰۷۹۴	۲۶۴۱۳	۱۲۷۳۴۰	۱۴۹۸۱	۲۵۶۹۹

دارای زمین میباشند که از این میان، ۶۶ درصد دارای اراضی کمتر از ۵ هکتار، ۳۲/۸ درصد بین ۵ تا ۵۰ هکتار و ۱/۲ درصد بیش از ۵۰ هکتار زمین در اختیار داشته‌اند. از میان بهره برداران دارای زمین، ۱۲/۸۹ درصد منحصراً به باغداری و ۴۷/۲۴ درصد به زراعت اشتغال داشته و ۲۹/۸۷ درصد نیز به طور توأم به زراعت و باغداری مبادرت داشته‌اند.

جدول شماره (۲) تعداد انواع بهره‌برداریهای کشاورزی کشور را برحسب وسعت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری نشان می‌دهد. همان گونه که از جدول مذکور مستفاد می‌شود، سهم بهره‌برداریهای شرکتی و موسسات عمومی در بین بهره‌برداریهای بیش از ۵۰ هکتار در مقایسه با بهره‌برداریهای شریکی و اختصاصی نسبتاً بیشتر است. علاوه بر آن در بین بهره‌برداریهای دارای زمین در کشور، حدود ۶۶/۰۴ درصد از بهره‌برداریهای کمتر از ۵ هکتار زمین، ۱/۱ درصد بیش از ۵۰ هکتار و حدود ۳۲/۸ درصد نیز بین ۵ تا ۵۰ هکتار زمین در اختیار داشته‌اند.

جدول شماره (۳) تعداد انواع بهره‌برداریهای کشاورزی دارای زمین در کشور را با توجه به وسعت اراضی بهره‌برداری نشان می‌دهد. ارقام جدول مذکور بیانگر این مطلب است که حدود ۲۶/۷۵ درصد از بهره‌برداریهای کمتر از یک هکتار زمین داشته‌اند و ۱۴/۸۹ درصد نیز بین ۲ تا ۵ هکتار زمین داشته‌اند. به استناد آخرین سرشماری کشاورزی، حدود

۳/۱ درصد از اراضی آبی کشور و ۰/۵ درصد از اراضی دیم آن به طبقات بهره‌بردار کمتر از یک هکتار تعلق دارد، در حالی که بهره‌برداریهای ۵ تا ۵۰ هکتار نزدیک به ۵۶/۷ درصد از اراضی آبی و ۷۰/۱ درصد از اراضی دیم کشور را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین حدود ۴۶ درصد از باغات کشور و ۶۵/۴ درصد از اراضی زراعی در اختیار این گروه از بهره‌برداران بوده است. نسبت باغ و قلمستان از بهره‌برداریهای کمتر از یک هکتار حدود ۹/۲ درصد و در بهره‌برداریهای بیش از ۱۰۰ هکتار حدود ۶/۳ درصد بوده است.

نظام بهره‌برداری تجاری و سرمایه‌داری ارضی

تولید کشاورزی معمولاً به دو صورت زیر صورت می‌گیرد:

۱- تولید معیشتی در مزارع کوچک که عمدتاً به اتکاء نیروی کار خانوادگی صورت می‌گیرد.

۲- تولید برای بازار که عمدتاً در مزارع وسیع و گسترده (PLANTATIONS) و به اتکاء نیروی کار آزاد یا اصطلاحاً نیروی کار "مزدوری" صورت می‌گیرد.

در جوامع سرمایه‌داری گرایش فزاینده‌ای به تجاری کردن وجود دارد. این واحدها را معمولاً مؤسسات بزرگ تجاری در اختیار داشته و به دلیل استفاده از نهاده‌ها و فن‌آوری پیشرفته و بهره‌گیری از تکنیکهای مدیریت علمی و ترکیب منطقی عوامل تولید، استحصال حداکثر سود در زمره

اهداف اصلی و اساسی این واحدها می‌باشد. در واحدهای بهره‌برداری تجاری، تمامی عملیات و مراحل تولید از قبیل کشت، برداشت، انبارداری، تبدیل، توزیع و ... در یک سیستم واحد و به هم پیوسته جای گرفته و محصولات تولیدی برای فروش در بازارهای داخلی و بین‌المللی عرضه می‌شود.

البته در قالب نظام بهره‌برداری تجاری، اشکال متفاوت و متنوعی را می‌توان مشاهده نمود که نمونه‌های بارز آن عبارت‌اند از: کشت و صنعتها، شرکتهای سهامی زراعی، تعاونیهای تولید، واحدهای تجاری خصوصی و دولتی.

در این رابطه باید متذکر شد که نظام بهره‌برداری تجاری به هیچ وجه با نظام بزرگ مالکی یا فئودالی که نشانگر بی‌عدالتی اجتماعی است، همخوانی و شباهت ندارد. اگر چه ممکن است در این گونه واحدهای زراعی، تبعیضها و نابرابری در ثروت، درآمد و پایگاههای اجتماعی به وجود بیاید.

نظام بهره‌برداری تجاری و سرمایه‌داری ارضی در ایران، به دو طریق زیر توسعه پیدا کرد: ۱- از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در محدوده اراضی شخصی و ملی شده مربوط به منابع طبیعی، که از طرف دولت در اختیار این واحدها قرار گرفت و همچنین از طریق تصویب قانون گسترش کشاورزی در قطبهای کشاورزی در سال ۱۳۳۵ که به رشد و توسعه سرمایه‌داری ارضی و ایجاد و گسترش واحدهای بهره‌برداری

جدول شماره (۲) تعداد انواع بهره‌برداریهای کشاورزی کشور با توجه به وسعت اراضی مورد بهره‌برداری

وسعت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری	جمع		اختصاصی		شریکی		شرکتی		موسسه عمومی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۳,۳۲۶,۴۳۰	۱۰۰	۳,۲۰۰,۸۴۰	۹۶,۲	۱۲۱,۹۸۰	۳,۷	۱۹۹۰	۰,۵	۱۶۳۰	۰,۵
فاقد زمین	۵۰۶,۸۳۰	۱۵,۲۴	۴۹۹,۳۳۱	۱۵,۶	۸,۰۵۱	۶,۶	۳۸۴	۱۹,۳	۱۱۹	۷,۳
کمتر از ۱ هکتار	۷۵۴,۳۰۰	۲۲,۶۶	۷۲۶,۵۹۱	۲۲,۷	۲۵,۶۱۶	۲۱	۴۲۴	۲۱,۳	۳۹۸	۴۴,۴
۱ تا ۵ هکتار	۴۱۹,۷۶۰	۱۲,۶	۴۰۳,۳۰۶	۱۲,۶	۱۵,۱۲۶	۱۲,۴	۱۱۱	۵,۶	۱۰۹	۶,۷
۵ تا ۱۰ هکتار	۶۸۷,۸۶۰	۲۰,۷	۶۶۲,۵۷۴	۲۰,۷	۲۴,۱۵۲	۱۹,۸	۱۳۱	۶,۶	۱۹۹	۱۲,۲
۱۰ تا ۲۰ هکتار	۴۸۲,۵۲۰	۱۴,۵	۴۶۴,۱۲۲	۱۴,۵	۱۸,۶۲۳	۱۵,۳	۱۱۱	۵,۶	۱۳۰	۸
۲۰ تا ۵۰ هکتار	۳۰۵,۹۳۰	۹,۲	۲۹۱,۲۷۶	۹,۱	۱۰,۶۱۲	۸,۷	۱۱۹	۶	۱۳۹	۸/۵
۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۱۳۶,۳۷۰	۴,۱	۱۲۴,۸۳۳	۳,۹	۱۵,۷۳۵	۱۲,۹	۱۷۳	۸,۷	۱۷۰	۱۰,۴
۱۰۰ تا ۵۰۰ هکتار	۲۲,۴۸۰	۰,۷	۱۹,۲۰۵	۰,۶	۲,۸۰۶	۲,۳	۱۸۱	۹,۱	۱۲۹	۷,۹
بیشتر از ۵۰۰ هکتار	۸۸۴۰	۰,۳	۶,۴۰۲	۰,۲	۱,۴۶۴	۱,۲	۳۵۴	۱۷,۸	۲۳۸	۱۴,۶
اطهار شده	۱,۵۶۰	۰,۰۴	۳,۲۰۱	۰,۱	۱۲۲	۰,۱	-	-	-	-

تجاری کمک کرد. ولی از جهت سیر تاریخی و تکاملی، رواج سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به اوایل دهه ۱۳۳۰ برمی گردد.

۲- از سال ۱۳۴۷ به بعد دولت وقت تصمیم گرفت تا با در اختیار گرفتن اراضی زراعی مرغوب و حاصلخیز (اراضی واقع در آبخور سدها) و با به کارگیری فن آوریهای مدرن و پیشرفته، از طریق تشکیل واحدهایی به نام «شرکتهای سهامی زراعی»، واحدهای کشت و صنعت، مستقیماً به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بپردازد.

ویژگیها و خصوصیات واحدهای بهره برداری تجاری در ایران را می توان به شرح ذیل برشمرد:

- این واحدها عمدتاً متعلق به افراد شهری است. (بازرگانان، سرمایه داران بزرگ شهری و صاحب منصبان دولتی)

- تزریق سرمایه و بهره برداری از مکانیزاسیون مدرن و پیشرفته و نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده از دیگر ویژگیهای این واحدها به حساب می آید.

- استفاده از نیروی کار آزاد - کشت و تولید محصولات سودآور که در برخی از مناطق کشت تک محصولی رواج دارد.

- تولید محصول برای بازارهای داخلی و بین المللی (صادرات محصول)

- بهره گیری از نهادهای نوین کشاورزی

- بهره گیری از دانش روز و تکنیکهای مدیریت علمی

- تکمیل زنجیره تولید در واحدهای زراعی از قبیل انبارداری، صنایع تبدیلی و بسته بندی و توزیع

شیوه بهره برداری تجاری عمدتاً در گرگان، رشت، اصفهان، خراسان و ارومیه که از مراکز کشت عمقی (INTENSIVE) کشور به شمار می روند متمرکز است.

در روستاهای ایران اشکال مختلفی از بهره برداری تجاری با سرمایه داری ارضی رواج داشته و دارد.

در نظام بزرگ مالکی تمامی اراضی یک روستا به شکل سرمایه داری ارضی مورد بهره برداری قرار می گرفت و تنها شیوه بهره برداری مسلط در روستا به حساب می آمد. در چنین روستاهایی ساخت اجتماعی تحت تاثیر مالکان این واحدها که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند - تعیین می شود.

در برخی از روستاهای کشور نیز ممکن است بیش از یک یاد شیوه بهره برداری ارضی متداول باشد. در چنین مناطقی سرمایه داران ارضی از پایگاه بالایی از لحاظ اقتصادی - اجتماعی برخوردار بوده و بعد از آن، نمایندگان صاحبان این گونه واحدها که در اداره واحدها نقش تعیین کننده ای دارند، قرار می گیرند و در رده آخر، کارگران کشاورزی قرار دارند.

نوع دیگر بهره برداری تجاری، تأسیس واحدهای تجاری ارضی در خارج از روستا می باشد. بدین شکل که صاحبان این واحدها ساکن

شهرها بوده و عمدتاً از صاحب منصبان و طبقات ممتاز جامعه به حساب می آیند که با تأسیس واحدهای مکانیزه در مناطق روستایی با به کارگیری نیروی انسانی متخصص و کارشناس و همچنین با بهره گیری از کارگران روزمزد دائم و فصلی، به تجارت در عرصه تولید محصولات کشاورزی مبادرت می ورزند. این نوع از واحدهای بهره برداری در طول سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ آغاز و توسعه پیدا کرد و عمدتاً در نواحی گرگان و رشت متمرکز گردید.

بعد از اصلاحات ارضی نیز به دلیل مستثنی کردن اراضی مرغوب از تقسیم زمین بین زارعان، این نوع از سرمایه داری ارضی توسعه و گسترش یافت و صاحبان این واحدها به راحتی توانستند اعتبارات و امکانات لازم جهت تجهیز و توسعه واحدهای زراعی خود را از طریق دولت دریافت نمایند.

بر اثر اجرای سیاستهای خاصی از سوی دولت که عدم توجه به بهره برداری دهقانی و انحلال سازمان نسق بندی ده را به دنبال داشت، رها شدن زارعان از اراضی خود، منجر به افزایش نیروی کار ارزان قیمت برای صاحبان واحدهای تجاری فوق گردید و بسیاری از مزارع تحت کشت گندم و غلات به کشت محصولات تجاری خاص اختصاص یافت که برای بازار داخل و خارج کشور از جاذبه تجاری برخوردار بود. البته آمار و اطلاعات و مطالعات مدونی در رابطه با بازدهی اقتصادی و عملکرد این واحدها در دست نیست،

جدول شماره (۳) تعداد انواع بهره برداریهای کشاورزی دارای زمین در کشور با توجه به وسعت اراضی مورد بهره برداری

وسعت اراضی کشاورزی مورد بهره برداری	جمع		اختصاصی		شریکی		شرکتی		موسسه عمومی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۲۸۱۹۶۰۰	۱۰۰	۲۰۷۰۱۵۰۹	۹۵/۸	۱۱۳۰۹۲۹	۴/۰۴	۱۶۰۶	۰/۰۶	۱۵۱۱	۰/۰۵
کمتر از ۱ هکتار	۷۵۴۰۳۰۰	۲۶/۷۵	۷۲۶۰۵۹۱	۳۶/۹۰	۲۵۰۶۱۶	۲۲/۴۸	۴۲۲	۲۶/۴۰	۳۹۸	۲۶/۳۴
۱ تا ۱ هکتار	۴۱۹۰۷۶۰	۱۴/۸۹	۴۰۳۰۳۰۶	۱۴/۹۳	۱۵۰۱۲۶	۱۳/۲۸	۱۱۱	۶/۹۱	۱۰۹	۷/۲۱
۱ تا ۲ هکتار	۶۸۷۸۶۰	۲۴/۴۰	۶۶۴۰۵۷۴	۲۴/۹۳	۲۴۰۱۵۲	۲۱/۲۰	۱۳۱	۸/۱۶	۱۹۹	۱۳/۱۷
۱ تا ۵ هکتار	۴۸۲۰۵۲۰	۱۷/۱۱	۴۶۴۰۱۲۲	۱۷/۱۸	۱۸۰۶۶۳	۱۶/۳۸	۱۱۱	۶/۹۱	۱۳۰	۸/۶۰
۱ تا ۱۰ هکتار	۳۰۵۰۹۲۰	۱۰/۸۵	۲۹۱۰۲۷۶	۱۰/۸۸	۱۰۰۶۱۲	۹/۳۱	۱۱۹	۷/۴۱	۱۳۹	۹/۲۰
۱ تا ۲۰ هکتار	۱۳۶۰۳۷۰	۴/۸۴	۱۲۴۰۸۳۳	۴/۶۲	۱۵۰۷۳۵	۱۳/۸۱	۱۷۳	۱۰/۷۷	۱۷۰	۱۱/۲۵
۱ تا ۵۰ هکتار	۲۲۰۴۸۰	۰/۸۰	۱۹۰۲۰۵	۰/۷۱	۲۸۰۰۶	۲/۴۶	۱۸۱	۱۱/۲۷	۱۲۹	۸/۵۴
۱۰۰ هکتار و بیشتر	۸۸۴۰	۰/۳۱	۶۰۴۰۲	۰/۲۴	۱۰۴۶۴	۱/۲۸	۳۵۴	۲۲/۰۴	۲۳۸	۱۵/۷۵
اظهار نشده	۱۰۵۶۰	۰/۰۵	۳۰۲۰۱	۰/۱۲	۱۲۲	۰/۱۱	-	-	-	-

ولی از روی شواهد و قرائن متعدد و همچنین توجه به توسعه و گسترش روزافزون دامنه عملیات این واحدها، بخوبی می‌توان دریافت که سودآوری سرمایه در این موسسات رقم شایان توجهی بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعدادی از اینگونه واحدها مصدوره و در اختیار بنیادهای خاص قرار گرفت و تعداد دیگری نیز به حکم دادگاه انقلاب در اختیار هیئتهای هفت نفره قرار گرفت و هیئتهای مذکور نیز اراضی این موسسات را به صورت واحدهای مشاع به دهقانان خرده‌پا و کارگران زراعی که در منطقه اقامت و سکونت داشتند، واگذار نمودند.

نظام بهره‌برداری مبتنی بر کشت و صنعت

همان‌گونه که از عبارت "کشت و صنعت" برمی‌آید، این نظام بهره‌برداری ارضی بر به کارگیری و بهره‌برداری مؤثر از امکانات و تجهیزات صنعتی در فرایند تولید محصولات کشاورزی تأکید دارد.

پیدایش کشت و صنعتها در جهان محصول روند تاریخی تولید کشاورزی در شرایط بسط بازار پولی و سرمایه‌ای است. در حقیقت پیدایش این نوع الگوی بهره‌برداری کشاورزی تجاری کشاورزی، محصول توسعه کشاورزی در شرایطی است که بکارگیری فنون جدید و نوآوریهای فنی در بخش کشاورزی، تمرکز سرمایه‌های کلان مالی در مقیاس تولیدی وسیع را فراهم و امکان‌پذیر ساخته است. به عبارت دیگر کشت و صنعتها نوعی واحدهای بهره‌برداری از نوع سرمایه‌داری ارضی هستند که در کلیت خود از طریق چند واقعیت مهم زیر شناخته می‌شوند:

- ۱- بسط روابط پولی و بازار سرمایه و نفوذ آن در قلمرو تولید کشاورزی.
- ۲- توسعه صنعت فرآورده‌های زراعی (صنایع فرآوری محصولات).
- ۳- گرایش زراعت نوین به توسعه عملیات خارج از مزرعه.
- ۴- ابداع و تکامل نوعی از مکانیزاسیون کشاورزی که انجام عملیات در سطوح وسیع را با سرعت فراهم می‌آورد.

۵- کاربرد مهارتهای خاص برای هر رشته از فعالیتهای کشاورزی در مقیاس وسیع (تخصصی شدن امور در کلیه زمینه‌های و رشته‌های مختلف کشاورزی)

فرایندی که به پیدایش کشت و صنعتها منجر شد، در حقیقت معرف الگوی توسعه صنعتی است. از اثرات این الگو بر جوامع روستایی آنست که روستا بمنابیه کانون تولید کشاورزی، از حیث اقتصادی از شکل بسته خارج شده و در اقتصاد ملی ادغام می‌شود، از حیث اجتماعی نیز از شکل کانونهای اجتماعی منزوی و پراکنده درآمده و از طریق تمرکز و تجمع در قالب کانونهای بزرگتر تجدید سازمان می‌یابد. در شرایط قیل از توسعه صنعتی، جوامع روستایی عملاً همه مایحتاج تولیدی و مصرفی را در محدوده واحد خانوادگی تولید می‌کردند و خانوارها از بسیاری از جهات خودکفا محسوب می‌شدند (به این معنی که زارع علاوه بر پرداختن به کار زراعت، دروگر، جرخ ساز و آهنگر نیز محسوب شده و در عین حال تولیدکننده فرآورده‌های دامی نیز بود). ولی در روند توسعه صنعتی، جوامع روستایی براساس نیازهای جامعه شهری، با فرآیند نفوذ سرمایه در تولید ارضی روبرو می‌شدند و به تبع آن شیوه‌ها و روشهای کار کشاورزی دگرگون شده و کاربرد ابزارآلات ماشین در پهنه تولید کشاورزی متداول شد. این جریان در اثر «تقلیل بازده تولید به علت سیر صعودی قیمتها و فشار متقابل هزینه قیمت»، تولید خرد خانوادگی و خود معیشتی را با مسائل و مشکلاتی جدی مواجه می‌ساخت. تولید کشاورزی بصورت فرابنده‌ای به خدمت بازار در آمده و به اصطلاح، کشت "تجاری" شد. کشاورزی تجاری در اغلب موارد در قالب تنگ و محدوده تولید دهقانی نمی‌گنجد و به مزارع گسترده در مقیاس وسیع تولیدی نیاز دارد.

اهم دلایل پیدایش کشت و صنعتها در ایران

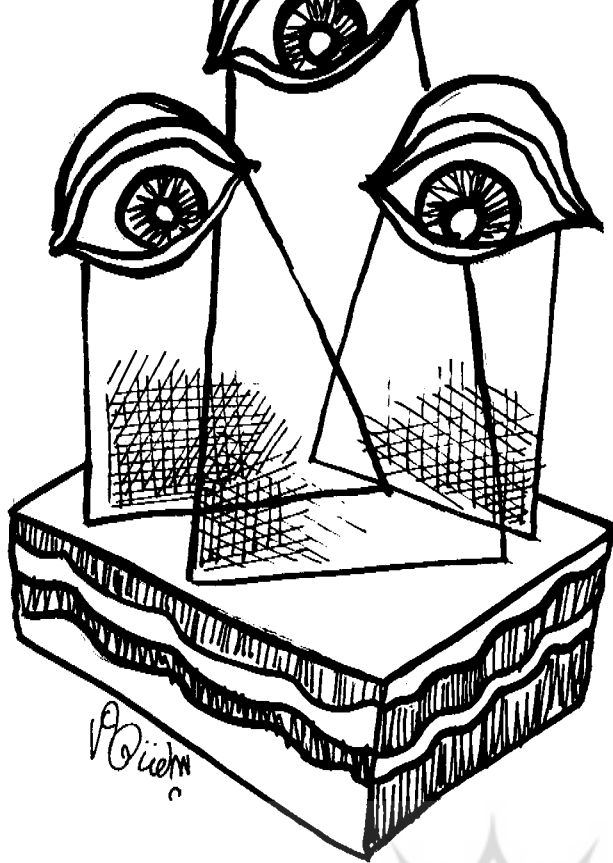
در ایران، کشت و صنعتها عمدتاً با مساعی برنامه ریزی شده دولت تاسیس شده و به رغم توسعه آن در بخش خصوصی، هنوز نیز کشت و صنعتهای دولتی از حیث وسعت و تنوع عملیات تولیدی نسبت به سایر انواع کشت و صنعتها از

برتری نسبی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از آنجایی که سابقه تشکیل اولین کشت و صنعت در ایران از حدود ۳۰ سال بیشتر نمی‌شود، لذا چنین الگویی در کشور هنوز بسیار جوان بوده و در نتیجه طبیعی و منطقی خواهد بود که در مقایسه با سایر الگوهای بهره‌برداری ارضی موجود در کشور که برخی از آنها (از جمله بهره‌برداری دهقانی) قدمتی چند هزار ساله دارند، فاقد پختگی و جاسنادگی کافی باشد. مهمترین دلایل و انگیزه‌هایی که به پیدایش کشت و صنعتها در ایران منجر شد بشرح ذیل می‌باشند:

- استفاده از اراضی زیر سدها.
- استفاده از تکنیکهای پیشرفته در امور کشاورزی و تبدیل فرآورده‌های زراعی، باغی و دامی.
- جذب سرمایه‌های بزرگ در فعالیتهای کشاورزی و دامپروری.
- استفاده بهینه از اراضی بزرگ و بکر.
- بسال بردن درآمد در واحد سطح در بخش کشاورزی.
- ترویج فعالیتهای نوین و صنعتی در بخش کشاورزی و نشر الگوی بهره‌برداری ارضی در مقیاس وسیع.
- کنترل بعضی محصولات توسط دولت.
- تولید انواع بذور اصلاح شده.
- تولید تلیسه، دورگ‌گیری و پرورش نژادهای اصلاح شده.
- انجام آن دسته از عملیات دامپروری که بنابه ماهیت آن، استفاده و بکارگیری تخصصهای بالا را نیاز دارد، از قبیل پرورش مرغ اجداد، مرغ لاین و ...

ویژگیهای نظام بهره‌برداری مبتنی بر کشت و صنعت

اصولاً کشت و صنعت به این اعتبار که در صورت کلی خود عبارت است از «تلفیق عملیات کشاورزی با عملیات تبدیل صنعتی فرآورده‌های کشاورزی و صنعت تهیه مواد غذایی» از طریق انجام عملیات مالی وسیع و براساس دسترسی به بازارهای مصرف، از مظاهر نفوذ و رخنه سرمایه در تولید کشاورزی بشمار می‌آید. لذا خصوصیات عام کشت و صنعتها را می‌توان بصورت زیر خلاصه کرد:



- انجام عملیات کشت در سطح وسیع.
- تلفیق کشاورزی با صنعت، اعم از صنعت تبدیل فرآورده‌های کشاورزی به مواد قابل مصرف در تولیدات دیگر یا صنعت تهیه مواد غذایی.
- اهمیت عامل سرمایه به عنوان رکن اساسی واحد بهره‌برداری و پیچیدگی عملیات مالی در واحد و تمرکز عملیات زراعی در بازار تجاری.
- استفاده از نیروی کار دستمزدی (اعم از کارگران موقت و دائم)
- استفاده از تکنولوژی نوین کشاورزی و بکارگیری آلات و ابزار پیشرفته که انجام عملیات در سطح وسیع را مقدور می‌سازد.
- انجام عملیات بازاریابی.
- جدائی عوامل کار و سرمایه از طریق ایجاد یک دستگاه مدیریت صنعتی.
- تقسیم کار برنامه‌ریزی شده و بهره‌گیری از تخصص‌های ویژه در رشته‌های مختلف فعالیت‌های تولیدی و تلفیق فرآیندهای متنوع رشته‌های مختلف کاری از طریق دستگاه مدیریت مرکزی واحد.

کارخانه عصاره‌گیری و تصفیه شکر و کشت ۲۴۰۰ هکتار نیشکر در اراضی هفت تپه انجام شود. اولین بهره‌برداری نیز در سال ۱۳۴۰ صورت گرفت. بعداً این پروژه به کشت و صنعت نیشکر هفت تپه مشهور شده و توسعه پیدا کرد و در کنار آن کشت و صنعت‌های دیگری مانند کارون نیز به وجود آمد.

در اردیبهشت ۱۳۴۷ قانون تاسیس شرکت‌های بهره‌برداری از اراضی زیر سدها (کشت و صنعتها) به تصویب رسید (در این زمان مجری این قانون وزارت آب و برق به هنگام وزارت منصور روحانی بود). بر اساس ماده یک این قانون هدف از تاسیس این واحدها، حداکثر استفاده از منابع آب سدهای کشور در اراضی واقع شده در حوزه آبیاری آنها بود. این واحدها باید بیش از پنج هزار هکتار وسعت می‌داشت تا با کارآئی بهتر و همراه با حداکثر استفاده از ماشین آلات کشاورزی عمل کند (به‌رغم تأکید قانونی حداقل پنج هزار هکتار وسعت اراضی هر کشت و صنعت، عملاً در سالهای بعد، شرکت‌های زیادی تحت عنوان کشت و صنعت تشکیل و به ثبت رسید که برآب از حد نصاب قانونی فوق‌الذکر کوچکتر بوده‌اند). به این معنی که واحدهای بزرگ و صنعت، ظاهراً بر اساس سیاست افزایش محصولات کشاورزی در

روی رودخانه‌های خوزستان و ایجاد یک واحد بزرگ کشت نیشکر، همراه با تأسیسات مربوطه در اراضی سد دز، در جنوب غربی استان خوزستان بود. در سال ۱۳۳۱ که اهمیت احیای کشت نیشکر در خوزستان مجدداً مورد توجه قرار گرفت (قبلاً در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ اقداماتی در مورد کشت نیشکر انجام شد که، وقوع جنگ جهانی دوم باعث توقف این اقدامات گردید) قراردادی بین دولت وقت ایران و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی برای انجام مطالعات لازم منعقد گردید. آقای «وان دوشور» کارشناس سازمان مذکور در مردادماه ۱۳۳۲ گزارشی تحت عنوان «گزارش شماره ۱۲۹ فائو» به دولت ایران تسلیم و احیای نیشکر را در خوزستان عملی و امیدوارکننده اعلام داشت. در نهم فروردین ماه ۱۳۳۵ شرکت «عمران و منابع» اولین قرارداد اصلی خود را با سازمان برنامه و بودجه در همین رابطه منعقد نمود و از طرف شرکت مذکور آقای «دکتر کارلوس نی شاروان» رئیس دانشگاه «پورتوریگو» بررسی‌های مقدماتی را انجام داده و در سال ۱۳۳۶ گزارش خود را ارائه نمود.

در شهریور همین سال شرکت عمران و منابع یک موافقتنامه تکمیلی دیگر منعقد نمود و نهایتاً مقرر شد که در مدت چهار سال و نیم احداث

تاریخچه کشت و صنعت‌ها در ایران

همانطور که قبلاً بیان گردید، ظاهراً واحدهای کشت و صنعت به منظور نوسازی مناطق روستایی ایران توسط رژیم سابق به مرحله اجرا درآمد و هدف از آن افزایش تولیدات کشاورزی از طریق سرمایه‌گذاری زیاد در واحد سطح و استفاده از روشها و تکنیکهای مدرن کشاورزی بود. سیاست دولت در این زمینه، ایجاد واحدهای زراعی سرمایه‌داری در مناطقی بود که از اراضی مرغوب و آب فراوان برخوردار بودند، (مانند منطقه دز در دشت خوزستان).

واحدهای کشت و صنعت عموماً به کمپانیهای چندملیتی تعلق داشتند که با تعدادی از شرکای ایرانی خود به بهره‌برداری از اراضی زیر سدها مشغول بودند. از نظر تاریخی اولین مداخله سرمایه خارجی در کشاورزی ایران، به اوائل دهه ۱۳۳۰ برمی‌گردد. به هنگامی که «دوبلدیلیانثال» رئیس پروژه تنسی از ایران بازدید به عمل آورد ناچاراً به انجام پروژه‌های دره تنسی در خوزستان به مطالعه بپردازد. نتیجه این بازدید، انعقاد قراردادی برای ایجاد سدهایی بر

واحدهای بزرگ مکانیزه همراه با حداکثر استفاده از منابع آب در اراضی زیر سدهای کشور بوجود آمده است.

دولت برای تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در این زمینه و تحقق امر تجاری کردن تولید کشاورزی ابتدا خود به ایجاد چند واحد نمونه از این دست اقدام نمود تا اعتماد سرمایه‌داران ایرانی و خارجی را جلب کند، یعنی از سونتی مزایای ایجاد چنین واحد بهره‌گیری از بازار مصرف ایران و کسب سود سرشار و یادآورده رابه آنان بیاموزد و از طرف دیگر با تسریع جریان نفوذ سرمایه در بخش کشاورزی، روند خلع ید از دهقانان را تسریع کرده و بدین ترتیب خیل بیکاران را برای پائین باقی ماندن سطح دستمزد در صنایع شهری تشکیل دهد و گذشته از اینها به این طریق، جریان واردات ماشین آلات ساخت کارخانجات غربی را تحکیم و گسترش بخشد. در رابطه با تاسیس اولین کشت و صنعت‌ها در ایران به سه بررسی انجام شده در این مورد ذیلاً پرداخته می‌شود:

اول - بعد از اصلاحات ارضی که مصادف با بهره‌برداری از سد دز بود یک سازمان عمرانی به اسم سازمان عمران خوزستان (K.D.S) تحت نظارت سازمان آب و برق خوزستان تشکیل شد، برنامه این سازمان این بود که از طریق ترویج کشاورزی، تولیدات کشاورزی را در منطقه بالا برد، بنابر نظر تمام دستگاههای دولتی (که با آنها مصاحبه شده است) و نیز بنابه گفته زارعین منطقه، این دوره از دخالت‌های دولت بسیار ثمر بخش بوده است. زیرا این سازمان با کمال علاقمندی دهقانان را چه از نظر فنی و چه از نظر اعتباری کمک می‌کرده است، بطوریکه بنا بر عقیده عموم در این

مدت، تولیدات کشاورزی در منطقه به میزان زیادی افزایش یافته بود. طرز کار این سازمان همان روش عادی ترویج بود، بدون اینکه در مسائل مربوط به مالکیت اراضی یا سازمان دهی تولید دخالت کند.

لیکن این دوره فعالیت ترویجی در سال ۱۳۴۴ متوقف شد و از آن پس لازم بود که برای افزایش بیشتر عملکرد کشاورزی و استفاده حداکثر از منابع آب و خاک چاره‌ای اندیشید (فرمولی که ظاهراً در تمام گزارشات رسمی به آن برخورد می‌شود). برای استفاده از تکنولوژی پیشرفته در سازمان تولید نیز تغییراتی داده شد، زیرا لازم بود از سرمایه‌گذارهای زیربنایی سدها بهره‌برداری بیشتری بعمل آید. به این دلیل برنامه ترویجی در سال ۱۳۴۴ پایان یافت و سیستم بهره‌برداری جدید بجای آن در نظر گرفته شد. این سیستم جدید چهار نوع بهره‌برداری را در ۱۲۵ هزار هکتار از اراضی زیر سد دز پیش بینی می‌کرد. این چهار نوع بهره‌برداری عبارت‌اند از: الف - ۶۷ هزار هکتار از اراضی نسبتاً خوب به کشت و صنعت‌ها داده شد.

ب - ۱۲۵۰۰ هکتار از اراضی نسبتاً خوب برای شرکتهای سهامی زراعی در نظر گرفته شد.

ج - ۱۵۰۰۰ هکتار برای شرکت هفت تپه (تولید شکر).

د - بقیه اراضی سد در اختیار کشاورزی سنتی قرار گرفت.

به اتکاء قانون تاسیس شرکتهای بهره‌برداری از اراضی زیر سدها (مصوب ۱۳۴۷) از بسیاری از سرمایه‌گذاران و شرکتهای کشاورزی خارجی دعوت بعمل آمد که در این امر شرکت نمایند. تعدادی از این سرمایه‌گذاران بطور انفرادی و

گروهی، اولین شرکتهای کشت و صنعت خوزستان را تشکیل دادند. از آن جمله می‌توان از شرکت‌های: H.N.AGPROD (ایران و آمریکا)، میتسونی (ژاپن)، هائوئین آگرونومی (آمریکا)، شل (هلند)، میچل کاتر (انگلیس)، دایموند وکتل (آمریکا)، ترانسفورد (آمریکا)، جان دیر (آمریکا) و بانک چیس‌مانهاتان (آمریکا) نام برد. از ترکیب آنها ۵ شرکت کشت و صنعت بوجود آمد که ۳۰ درصد سهام آنها ایرانی و ۷۰ درصد سرمایه خارجی بود. برای وارد کردن تکنولوژی خارجی، مدیریت این شرکتهای به افراد خارجی واگذار گردید. اصول قراردادهایی که شرکتهای با دولت ایران بستند به قرار زیر بوده است:

الف - تعهدات دولت ایران در برابر شرکتهای:

- واگذاری زمین بمدت سی سال.

- تامین آب با تحویل یک دریچه آبیاری برای هر صد هکتار.

- تامین برق.

- تامین جاده برای هر ۱۰۰ هکتار.

- معافیت گمرکی برای ماشین آلات.

- تسهیلات دیگر.

ب - تعهدات شرکتهای:

- ساختن شبکه آبیاری در داخل قطعات ۱۰۰ هکتاری.

- ساختن زهکشی‌های فرعی.

- ساخت جاده در داخل قطعات ۱۰۰ هکتاری.

- تطبیح اراضی.

- ایجاد ساختمان کشاورزی و آبیاری.

- ایجاد منازل مسکونی برای کارکنان.

- ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی.

- انجام عملیات کشاورزی و دامپروری بر اساس

جدول شماره (۴) وضعیت اراضی کشاورزی به تفکیک طبقات بهره‌برداری

طبقات بهره‌برداری	مساحت			آب			جمع		
	کل	زراعی	باغ و فلسطین	کل	زراعی	باغ و فلسطین	کل	زراعی	باغ و فلسطین
کسر از ۱ هکتار	۲۸۳.۹۷۰	۹/۲۰	۲/۲۹	۳/۱۰	۰/۹	۱۰/۲۰	۰/۵	۱/۱	۹/۳
۱ تا ۲ هکتار	۵۴۴.۱۷۰	۹/۴۴	۴/۵۰	۵/۱۰	۱/۶	۱۵/۲۰	۱/۶	۲/۷	۱۰/۳
۲ تا ۵ هکتار	۱.۱۰۷.۳۶۰	۱۹/۶	۱۵/۰۰	۱۵/۵۰	۹/۶	۲۶/۲۰	۹/۶	۱۱/۸	۲۰/۵
۵ تا ۱۰ هکتار	۳.۲۳۸.۲۵۰	۱۸/۳۰	۲۰/۰۰	۱۸/۸۰	۱۸/۲	۱۶/۶۰	۱۸/۲	۱۸/۹	۱۸/۱
۱۰ تا ۵۰ هکتار	۷.۷۵۸.۷۳۰	۲۹/۲۰	۳۷/۹۰	۲۰/۱۰	۲۰/۱۰	۴۰/۱۰	۵۲/۹	۲۷/۹	۵۱/۹
۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۱.۴۲۷.۰۶۰	۸/۲۰	۷/۱۰	۷/۳۰	۹/۲	۴/۱۰	۹/۲	۸/۲	۷/۵
۱۰۰ هکتار و بیشتر	۱.۷۹۰.۶۹۰	۶/۳۰	۱۳/۳۰	۱۲/۳۰	۹/۰	۶/۷۰	۸/۹	۱۰/۷	۶/۶

طرحهای پیش بینی شده.

- در هر هکتار باید در ظرف ۵ سال هزار دلار سرمایه گذاری شود، این سرمایه گذاری شامل اعتبارات و وام نیست و اگر اینها نیز به حساب آید جمع سرمایه گذاری در هر هکتار به ۲ هزار دلار بالغ می شود.

- به ازای هر هکتار زمین زیر کشت، شرکتها ۱۵۰ تومان در سال به دولت اجاره می دهند.

- به ازای هر ۱۰ هکتار، شرکتها متعهد می شوند یک نفر کارگر بگیرند.

مسئله مهم و اساسی در این بین چگونگی تامین زمین برای این شرکتها بود. در بدو امر سازمان آب و برق خوزستان به استناد ماده ۵۰ قانون ملی شدن آبها و تبصره ماده ۷ قانون تقسیم و فروش املاک استیجاری کمیسیون به نام کمیسیون خرید اراضی زیر سد تشکیل می دهد و شروع به خرید این اراضی می نماید. این کمیسیون در محدوده مربوط به شرکتهای کشت و صنعت که ۶۸ هزار هکتار است، اراضی و خانه های ۱۱۷ ده را خریداری و به شرکتها واگذار می کند. در محدوده شرکتها بنابر گزارشات رسمی، ۷ هزار خانوار روستایی ساکن بوده اند که ۵ هزار نفر آنها صاحب نسق و ۲ هزار نفر دیگر خوش نشین بوده اند. بر اساس گزارشی که آقای «فیتزجرالد» از اوضاع کشت و صنعتهای ایران داده است، این شرکتها اراضی ۱۷ هزار خانوار کشاورز را در منطقه خوزستان تصرف کرده اند.

دوم؛ در آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۵۲ تعداد واحدهای کشت و صنعت در کشور فقط ۵ واحد و سطح مورد عمل آنها فقط ۳۴ هزار هکتار مشتمل بر ۲۷ هزار هکتار آبی و ۷ هزار هکتار دیم، ثبت شده است. بر اساس این آمارگیری از کل اراضی کشت و صنعتها (در سال ۱۳۵۲)، ۳ هزار هکتار زیر کشت محصولات سالانه و ۳ هزار هکتار زیر کشت محصولات علفهای (اعم از آبی و دیم) و در حدود ۱۸ هزار هکتار (اعم از آبی و دیم) نیز آیش گذاری شده است.

کشت و صنعتهایی که در سرشماری کشاورزی سال ۱۳۵۲ از آنها نام برده شده است، همه در خوزستان واقع بوده اند. بر اساس همین آمار، حدود ۲/۸ درصد از کل اراضی خوزستان (به عبارت دیگر ۴/۹ درصد اراضی آبی و یک

درصد اراضی دیم این استان) بصورت کشت و صنعت در سال ۱۳۵۲ مورد بهره برداری قرار گرفته است.

از این آمارگیری چنین برمی آید که به رغم امکانات مساعد مربوط به آب و آبیاری در کشت و صنعتها، میزان آیش گذاری در این شرکتها هم از نسبت آیش گذاری در منطقه خوزستان و هم نسبت به کل ایران بیشتر بوده است. جدول شماره (۵) به خوبی گویای این امر می باشد.

جدول شماره (۵) گویای آن است که کشت و صنعتها در آن سال نتوانسته اند به رغم همه مساعدتهای دولتی و امکانات موجود، از تمامی ظرفیتهای بالقوه و سهل الوصول بخوبی بهره برداری نمایند. برداشت دیگری که از نتایج آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۵۲ وجود دارد، این است که بازده در هکتار انواع محصولات تولید شده مانند گندم، جو، انواع لوبیا، چغندر قند، گوجه فرنگی، اسپرس و حتی یونجه (که سالانه نمی باشد) از بازده همین محصولات در خوزستان و کل کشور در سال ۱۳۵۲ بیشتر است (شکی نیست که این امر مربوط به تغییر تکنیک تولید یعنی مکانیزاسیون تولید، بکارچرخه بودن اراضی و از همه مهمتر، بالا بودن نسبت اراضی آبی به اراضی دیم که به یمن سرمایه گذاری دولت در منابع آب مقدور شده بود و بلاخره استفاده از روشهای نوین تولید می باشد) اما بازده در هر هکتار محصولاتی از قبیل پیاز، آفتابگردان، پنبه و از بازده در هکتار خوزستان و کل کشور (در همین سال) کمتر بوده است (نتایج سرشماری مرحله اول ۱۳۵۲).

سوم؛ در یک بررسی دیگر که در همان سال صورت گرفته است، کل اراضی مربوط به کشت و صنعتها در ایران در سال ۱۳۵۲ بالغ بر ۱۰۴ هزار هکتار گزارش شده است. بر اساس این گزارش،

۷۰۸۵۱ هکتار از این اراضی زیر سد دز واقع بوده و در اختیار ۷ واحد کشت و صنعت شامل شرکت ایران و امریکا (۱۸۱۲۹ هکتار)، شرکت شل میچل (۱۴۳۵۲ هکتار)، شرکت ایران و کالیفرنیا (۹۱۲۷ هکتار)، شرکت نیشکر هفت تپه (۱۰۸۰۰ هکتار)، شرکت تصفیه شکر اهواز (۹۱۲۷ هکتار) شرکت دزکار (۴۸۱۶ هکتار) و شرکت گلدسن (۴۵۰۰ هکتار) قرار داشته است. (۱، ۵۴)

۳۴ هزار هکتار دیگر نیز در سایر نواحی ایران در اختیار ۵ شرکت کشت و صنعت دیگر بوده است که عبارت بودند از: کمپانی فرانسوی در ناحیه سفیدرود (۱۵ هزار هکتار)، شرکت ایران و یوگسلاوی در اراضی زیر سد شاهپور (۵ هزار هکتار)، شرکت شاوور در خوزستان (۵ هزار هکتار)، شرکت دشت مغان در اراضی زیر سد ارس (۴۵۰۰ هکتار) و یک کمپانی ژاپنی در زیر سد میناب (۴۵۰۰ هکتار).

تا سال ۱۳۵۲ طبق برآوردهایی که شده بود، برای تاسیس واحدهای کشت و صنعت از حدود ۳۰۰ هزار نفر (به عبارت دیگر لاقبل ۶۰ هزار خانوار روستایی) که اراضی آنها در زیر سد قرار داشته است خلع ید شده و ظاهراً دولت اراضی این دهقانان را خریداری می کرد، اما به هر حال حاصل کار آن بود که دهقانان زمین زراعتی خود را از دست داده و به خیل فروشندگان تهر، دست نیروی کار پیوستند.

توسعه کشت و صنعتها و تعداد آنها در کشور

از تعداد واقعی کشت و صنعتهای موجود در کشور اطلاعاتی دقیق در دست نیست. وقایع سالهای پس از انقلاب و التهابات انقلابی جامعه و حملاتی که در آغاز توسط گروهی از دست اندکاران به ساختار زراعتی مکانیزه دارای

جدول شماره (۵): میزان کل اراضی آیش به تفکیک آبی و دیم و

نسبت آن به اراضی زیر کشت و دایر (بر اساس سرشماری ۱۳۵۲)

شرح	مقدار اراضی آیش (هکتار)			درصد آیش نسبت به کل اراضی		
	آبی	دیم	کل	آبی	دیم	کل
کشت و صنعتها	۱۷۹۸۴	۲۹۸۰	۲۰۹۶۴	۵۵/۷	۵۳/۷	۴۵/۲
خوزستان	۲۵۶۱۸۸	۱۱۵۶۵۱	۳۷۱۸۳۹	۲۶/۲	۲۱/۹	۱۸/۲
کل کشور	۶۱۹۲۷۸۵	۴۱۳۲۰۵۲	۱۰۳۲۴۸۳۷	۳۳/۷	۳۵/۸	۳۶/۹

مقیاس تولیدی وسیع شد، موجب گردید که مساحت واقعی اراضی در اختیار کشت و صنعتها در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد.

از ابهامات مهم موجود در این زمینه که بر شدت التهابات می‌افزاید، مسئله تعریف کشت و صنعت است. واحدهای بیشماری تحت عنوان کشت و صنعت ثبت شده‌اند که در واقع ترکیبی از کار کشاورزی و کار صنعت (تهیه و تبدیل فرآورده‌های کشاورزی) نیست، از جمله مرغدارها، برخی از مزارع یا باغات مکانیزه و نظایر آن. این واحدها هر چند واحد مختصات کشاورزی نجاری، اند (Agro - Business) اما تلفیقی از کار کشاورزی و صنعت محسوب نمی‌شوند. مثلاً اغلب مرغدارها فقط صنعت مرغداری هستند و فاقد اراضی زیر کشت برای تامین محصول و تجهیزاتی برای تبدیل آن به دانه مرغی و خوراک طیور می‌باشند، یا در اکثر مزارع و باغات مکانیزه موجود، فقط محصولات کشاورزی و باغی تولید می‌شود و فاسد صنایع تبدیلی مواد غذایی از قبیل انواع کارخانجات کمپوت سازی و مربا سازی و یا آرد و قند و غیره می‌باشند. در واقع بسیاری از کشت و صنعت‌های موجود در حدی نیستند که بتوان آنها را جزو الگوی بهره‌برداری کشت و صنعت طبقه‌بندی کرد. به هرحال جای هیچ‌گونه شکی نیست که از سال ۱۳۵۳ با توجه به افزایش درآمدهای نفتی، تعداد واحدهای کشت و صنعت نیز بطور چشمگیری فزونی یافت و دولت که از زمان تصویب قانون تشکیل کشت و صنعتها تا سال ۱۳۵۲ فقط چهار واحد کشت و صنعت احداث کرده بود، در فاصله سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳، پنج واحد کشت و صنعت دیگر نیز تاسیس کرد. گذشته از اقدامات دولت، از سال ۱۳۵۲ تعداد واحدهای کشت و صنعت خصوصی (اعم از واحدهای سرمایه‌گذاری ایرانی یا خارجی یا مشترک) و به تبع آن وسعت اراضی کشاورزی در چارجوب نظام بهره‌برداری کشت و صنعت نیز بطور جهشی افزایش یافت.

در گزارشی که از سوی وزارت کشاورزی در باب تحولات کشاورزی در سال ۱۳۵۵ تدوین شده است در مورد توسعه کشت و صنعت در ایران آمده است که تعداد این واحدها از یک شرکت در

برنامه سوم عمرانی به ۱۱ واحد در برنامه چهارم و سرانجام به ۲۳ واحد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است. براساس همین گزارش اگر طرحهای کشت و صنعت بخش خصوصی که با استفاده از کمک‌های وزارت کشاورزی و بانک توسعه کشاورزی در زمینهای ملکی و اراضی ملی شده ایجاد شده است، ملاک قرار گیرد، تعداد آن بالغ بر ۸۰۰ واحد خواهد شد.

در این گزارش سطح زیر کشت در واحدهای کشت و صنعت خصوصی در سال ۱۳۵۵ معادل ۵۵ هزار هکتار و در کشت و صنعتهای دولتی ۵۰ هزار هکتار ذکر شده است.

بهرحال براساس پیش‌بینی‌های مربوط به برنامه عمرانی ششم قرار بوده است از ۱۲۳ هزار هکتار اراضی تخصیصی به کشت و صنعتهای دولتی، ۹۵ هزار هکتار و در کشت و صنعتهای خصوصی، ۱۵۰ هزار هکتار و در کشت و صنعتهای تاسیس شده در اراضی ملی، ۸۰ هزار هکتار زیر کشت برده شود.

طبق گزارش دیگری، در پایان سال ۱۳۵۶ وسعت این اراضی بالغ بر ۲۲۰ هزار هکتار برآورد

شده است، که شامل حدود ۱۰۰ هزار هکتار اراضی مربوط به ۱۳ شرکت کشت و صنعت در آبخور سدها و حدود ۱۲۰ هزار هکتار اراضی مربوط به واحدهای بزرگ زراعی و مجتمعهای صنعتی شیر و گوشت بوده است. ضمناً اطلاعات مربوط به سال ۱۳۵۴ نیز بازگویی آن است که ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی شخصی و دولتی تا آن تاریخ به شرکتهای کشت و صنعت خصوصی اختصاص یافته بوده است. به این ترتیب حاصل جمع ارقام مورد استناد فوق‌الذکر در مورد وسعت اراضی تحت تصرف واحدهای کشت و صنعت اعم از خصوصی و دولتی و مختلط، بالغ بر ۶۰۰ هزار هکتار می‌شده است.

در سال ۱۳۵۹ مرکز آمار ایران فهرستی از نام و محل مجتمعهای کشت و صنعت و شیر و گوشت منتشر ساخت. طبق این آمار، کل تعداد این قبیل واحدهای تجاری تولید کشاورزی در ایران در سال ۱۳۵۹ معادل ۱۰۲۷ واحد گزارش شده است که ۶۹۲ واحد یعنی ۶۰ درصد از کل این واحدها مجتمع‌های مرغداری است، ۲۰۴ واحد (حدود ۲۰ درصد) را مجتمع‌های دامداری (اعم از



گاوداری، گوسفندداری با گاو و گوسفندداری) تشکیل می‌دهند و در مجموع فقط ۳۸ واحد یعنی کمتر از ۴ درصد از کل این واحدها را کشت و صنعت تشکیل می‌دهند.

برابر این آمارگیری در سال ۱۳۵۹ در استانهای خوزستان، فارس، گیلان، مازندران، مرکزی، آذربایجان شرقی، سمنان، خراسان، اصفهان و زنجان جمعاً ۳۸ واحد کشت و صنعت مشغول بکار بوده است. فهرست شرکتهایی که مرکز آمار به عنوان واحدهای کشت و صنعت از آنها نام برده است، مطابق جدول شماره (۶) می‌باشد.

با بررسیهایی که انجام شد، محرز گردید که فهرست مرکز آمار ایران ناقص است و ظاهراً باید نام ۱۳ واحد دیگر را که در سال ۱۳۵۹ دایر بوده است به فهرست فوق اضافه نمود. اسامی این ۱۳ واحد در جدول شماره (۷) آمده است که به این ترتیب تعداد این واحدهای کشت و صنعت، به ۵۱ واحد می‌رسد.

به غیر از این واحدها، در طرح جامع مواد غذایی کشور از ۵ واحد کشت و صنعت دیگر نیز نام برده شده است که در فهرست مرکز آمار ایران نیامده است (و در اطلاعات در دسترس نیز هیچ نامی از آنها نیست) این ۵ واحد کشت و صنعت بر طبق جدول شماره (۸) می‌باشد.

به این ترتیب در مجموع کل واحدهای کشت و صنعت موجود در ایران (واحدهای شناخته شده) بالغ بر ۵۶ شرکت می‌شوند.

مهمترین اصولی که در توزیع این واحدها در سطح استانهای کشور و نیز نقاط مختلف هر استان وجود داشت عبارت بودند از:

- ۱- وجود دشتهای وسیع دارای خاک مستعد و دسترسی به بازار مصرف.
- ۲- وجود منابع آبیاری (به ویژه وجود کانالها و شبکه‌های آبیاری مربوط به سدها).

از این رو در حوالی تهران (کرج، قزوین، زنجان، کاشان، ورامین و سمنان) به خاطر دسترسی به جاده و بازار مصرف تهران، ۲۰ واحد کشت و صنعت (بالغ بر ۳۵ درصد کل واحد) متمرکز شده است، یا منطقه کوچکی از استان خوزستان (دزفول و اهواز) با ۸ واحد کشت و صنعت، یعنی نزدیک به ۱۵ درصد کل واحدها، از لحاظ تراکم

جدول شماره (۶)

فهرست شرکتهای کشت و صنعت بر اساس آمارگیری سال ۱۳۵۹

(مرکز آمار ایران)

شماره	نام مجتمع	شهرستان	استان
۱	کشت و صنعت پاک تین	کاشان	مرکزی
۲	کشت و صنعت میت‌اند‌میلک	کرج	مرکزی
۳	کشت و صنعت درخشان	کرج	مرکزی
۴	کشت و صنعت و مجتمع شیر و گوشت شجردهشت	کرج	مرکزی
۵	کشت و صنعت ایران آریا	رودسر	گیلان
۶	کشت و صنعت ران	بهشهر	مازندران
۷	کشت و صنعت سیامین (با مسئولیت محدود)	نوشهر	مازندران
۸	کشت و صنعت گلبرگ	نوشهر	مازندران
۹	دامداری شرکت کشت و صنعت سوری	قائم‌شهر	مازندران
۱۰	کشاورزی کشت و صنعت گرگان	گرگان	مازندران
۱۱	کشاورزی کشت و صنعت گلچشمه	گنبد کاووس	مازندران
۱۲	شرکت کشت و صنعت آبادیه	نور	مازندران
۱۳	شرکت کشت و صنعت سوپای ایران	نور	مازندران
۱۴	شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان	مغان	آذربایجان شرقی
۱۵	شرکت کشت و صنعت درونگ	شبستر	آذربایجان شرقی
۱۶	شرکت کشت و صنعت شاورر (افکا)	اهواز	خوزستان
۱۷	کشت و صنعت خوزستان (ایران و امریکا) - شمس آباد	دزفول	خوزستان
۱۸	شرکت بین‌المللی کشت و صنعت ایران صلی آباد	دزفول	خوزستان
۱۹	شرکت ایران شلکات - شمس آباد	دزفول	خوزستان
۲۰	شرکت ایران و کالیفرنیا	دزفول	خوزستان
۲۱	شرکت سهامی عام کشت و صنعت نیشکر هفت تپه	دزفول	خوزستان
۲۲	شرکت سهامی خاص نیشکر کارون	دزفول	خوزستان
۲۳	کشت و صنعت گله	دزفول	خوزستان
۲۴	شرکت سهامی خاص دشت مرغاب	مرودشت	فارس
۲۵	کشت و صنعت مهدوی	سبزوار	خراسان
۲۶	کشت و صنعت هزبر بردانی	شیروان	خراسان
۲۷	شرکت جنرال فالمرزایران	شیروان	خراسان
۲۸	مجتمع کشت و صنعت میانه	قوچان	خراسان
۲۹	کشت و صنعت چین چین	مشهد	خراسان
۳۰	شرکت کشت و صنعت لورک	اصفهان	اصفهان
۳۱	شرکت کشت و صنعت درافشان	اصفهان	اصفهان
۳۲	کشت و صنعت جنت آباد	اصفهان	اصفهان
۳۳	کشت و صنعت خرم دره (وابسته به بنیاد مستضعفان)	خرم دره	زنجان
۳۴	کشت و صنعت سبزدهشت	ابهر	زنجان
۳۵	مجتمع کشت و صنعت شیر و مرغ	دامغان	سمنان
۳۶	مجتمع کشت و صنعت هلی جرد	رودهن	سمنان
۳۷	مرغداری و کشت و صنعت اشراق	ورامین	سمنان
۳۸	شرکت کشت و صنعت گرمسیر	ورامین	سمنان

توضیح: شهرستانها و استانها مطابق تقسیمات کشوری سال ۱۳۵۹ می‌باشد.

جدول شماره (۷)

تعداد کشت و صنعتها بعد از تهران قرار دارد. توزیع استانی واحدهای کشت و صنعت در کشور در سال ۱۳۵۹ در جدول شماره (۹) درج شده است.

شماره	نام مجتمع	شهرستان	استان
۱	شرکت سهامی کشاورزی و دامپروری سفیدرود	رشت	گیلان
۲	مجتمع صنعتی تولید ابریشم	لاهیجان	گیلان
۳	کشت و صنعت گیاهان معطر	کاشان	مرکزی
۴	مجتمع صنعتی گوشت فارس	شیراز	فارس
۵	مجتمع صنعتی گوشت لرستان	خرم آباد	لرستان
۶	مجتمع گوشت بوقلمون زاباران	فروین	زنجان
۷	مجتمع کشت و صنعت گلیاغ	بندرعباس	هرمزگان
۸	کشت و صنعت ام	-	مرکزی
۹	کشت و صنعت ایران فردر	شهریار	تهران
۱۰	کشت و صنعت جیرفت (سهامی خاص)	جیرفت	کرمان
۱۱	کشت و صنعت جیرفت	جیرفت	کرمان
۱۲	کشت و صنعت و مجتمع گوشت کوروش	ساوه	تهران
۱۳	کشت و صنعت شهریاران	جیرفت	کرمان

فهرست منابع

- ۱- احمد، اشرف. "مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران"، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آموزش و پژوهش برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۵۲.
- ۲- ازکیا، مصطفی. "جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران"، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۵.
- ۳- اعتمادمقدم، فاطمه. "بررسی تطبیقی کارایی نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران"، سمینار سیاستهای کشاورزی در ایران، تهران، ۱۳۵۵.
- ۴- بانک کشاورزی، صندوق مطالعاتی توسعه کشاورزی. "طرح پژوهشی نظامهای بهره‌برداری در کشاورزی ایران"، جلد یکم، تهران، ۱۳۶۶.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه. آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۵۹، تهران، مرکز آمار ایران.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه. سالنامه آماری کشور در سالهای ۵۸ و ۱۳۵۹.
- ۷- کازرونی، محمدرضا. "تصویری از مسئله ارضی در ایران"، ۱۳۶۰.
- ۸- وزارت کشاورزی. "سیمای مالکیت اراضی مزروعی در ایران"، معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت و صنعتها، ۱۳۷۲.
- ۹- وزارت کشاورزی. "نگاهی کلی به مسائل نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در چند کشور نمونه"، معاونت امور نظامهای بهره‌برداری و کشت و صنعتها، جلد ۶، ۱۳۷۲.
- ۹- وزارت کشاورزی. "کتاب سبز"، نمایشگاه بین‌المللی کشاورزی و مواد غذایی، دفتر امور کشت و صنعتها، ۱۹۷۵ میلادی.

جدول شماره (۸)

شماره	نام مجتمع	محل	نوع فعالیت	تاریخ تاسیس
۱	مجتمع شمس بهلوی	کرج	کشت صنعت	۱۳۵۳
۲	شرکت ساوجبلاغ	فروین	کشت صنعت	۱۳۵۳
۳	شرکت مهرآذین	شهریار	" "	۱۳۵۳
۴	شرکت زندیه	شهریار	" "	۱۳۵۴
۵	شرکت ایران ترف	کرج	" "	۱۳۵۵

جدول شماره (۹): توزیع استانی واحدهای کشت و صنعت در ایران (سال ۱۳۵۹)

نام استان	تعداد مجتمعهای کشت و صنعت	درصد
تهران	۹	۱۶
خوزستان	۸	۱۴/۵
مازندران	۸	۱۴/۵
خراسان	۵	۹
سمنان	۴	۷
زنجان	۴	۷
مرکزی	۳	۵
اصفهان	۳	۵
گیلان	۳	۵
کرمان	۳	۵
آذربایجان شرقی	۲	۴
فارس	۲	۴
لرستان	۱	۲
هرمزگان	۱	۲
	۵۶	۱۰۰

پی نوشت:

۱- پشک به معنی قرعه می‌باشد.